

## دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است!

### درباره مبارزه با مذهب

متن پیاده شده مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال

### دلایل سیاسی مهم جدایی کمونیسم کارگری

### از حزب کمونیست ایران و کومه له

صفحه ۸

رحمان حسین زاده

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در باره

### جدایی در حزب کمونیست ایران و کومه له

### ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

### به دبیر اول کومه له - ابراهیم علیزاده!

صفحه ۷

رحمان حسین زاده

### رئیس: "میدانیم اما ما چکار کنیم!"

### کارگران: بروید، ما اداره می کنیم!

صفحه ۱۰

سیاوش دانشور

از تحسن و اجتماع معلمان و فرهنگیان حمایت کنیم!

۶۳۲

# مشتکی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۷ بهمن ۱۴۰۰ - ۲۸ ژانویه ۲۰۲۲

### کنفرانس اسلو

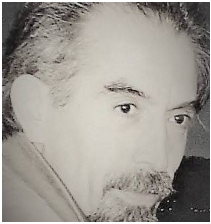
پرده دوم تحمیل طالبان به مردم ستمدیده افغانستان روی صحنه آمد. دولت نروژ از جانب دولتهای غربی، با هواپیمای اختصاصی هیئتی پانزده نفره از طالبان را به هتل "سوریا مورییا" آورد تا تحت عنوان بسیار بشردوستانه "جلوگیری از فاجعه انسانی" در افغانستان، بصورت دوافکتو حاکمیت دوستان تروپستش را برسمیت بشناسند. هدف این کنفرانس برخلاف ظاهر و عنوان آن، ایداً نگرانی از "فاجعه انسانی" نیست. آخرین "فاجعه انسانی" در ماه اوت رخ داد، آنجا که حاصل سیاست آمریکا و دول غربی با حمایت چین و روسیه و نقش محوری پاکستان، بازگرداندن طالبان و تحمیل امارات اسلامی به مردم افغانستان بود. فاجعه انسانی برای چندمین بار امروز رخ داد که یک جامعه را دستجمعی به اسارت مشتکی زامبی آفتابه بدست و قاتل و متجاوز درآوردند. تراژدیهای بعدی در ماههای گذشته صرفاً تبعات اولیه این سیاست هستند.

حداقل دستاورد این کنفرانس برای طالبان حمایت مجدد دول غربی، آزاد شدن پولهای بلوک شده دولت افغانستان، معامله در مورد تعدادی از همکاران این دولتها و ترتیب خروج آنها از افغانستان و کمی ژست توخالی "حقوق بشری" است. تا به زنان یعنی نیمی از جامعه افغانستان و بقیه مردم تحت سرکوب و بیکاری و گرسنگی مربوط است، پاسخ این کنفرانس و دمکراسی غربی

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سرنگونی حکومت‌های اسلامی و استبدادی در منطقه است.



در آستانه روز جهانی زن، مارس ۸، همبستگی با مبارزات زنان در افغانستان و تلاش برای سرنگونی طالبان، یک مسئله محوری اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی در سطح جهان است. دولت‌های غربی با کنفرانس اسلو اعلام کردند که کنار طالبان و علیه زنان و مردم ستمدیده افغانستان هستند. جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و جنبش قدرتمند آزادی زن نیز باید در کنار مبارزه زنان در افغانستان و مردم این کشور برای سرنگونی طالبان بایستد.

سیاست حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همبستگی و همراهی با زنان و مردم ستمدیده افغانستان، دفاع از روندهای سکولار و پیشرو، سرنگونی حکومت طالبان و جمهوری اسلامی است. مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

سردبیر.

۲۷ ژانویه ۲۰۲۲

## کنفرانس اسلو ...

"امارات اسلامی" است. اعمال فشار ظاهری برای رعایت همان حقوق محقری که در دولت‌های دست ساز قبلی آنهم با فشار جامعه برسمیت شناخته شده بود، بیشتر از توهین به شعور مردم است. "به طالبان باید فرصت داد" آن عبارت طلائی برای یک برسمیت شناسی پروسه ای حکومت زامبی های طالبان است. کنفرانس اسلو آخرین توهمات در باره خواست از دولت‌ها که "طالبان را برسمیت نشناسید"، "مذاکره با طالبان را منوط به رعایت حقوق بشر و حقوق زنان کنید"، دود شد و هوا رفت. سیاستی که هر درجه آزادی و حقوق فردی و اجتماعی را از بانیان استبداد و تحمیل طالبان مطالبه میکند، اگر دچار ذهنیت مالیخولیایی نباشد، شریک دزد و رفیق قافله است. همینطور در این دوره کوتاه روشن شد که با پرچم طالبان و اسلام نمیتوان "مقاومتی" سازمان داد. خواست "حکومت همه شمول" که نهایتاً بازگشت به دوران کرزای-غنی یا فدرالیسم قومی و مذهبی را موعظه میکرد، بی پایه تر از آن بود که مورد توجه قرار گیرد. تحمیل طالبان بمعنی عبور از این سیاست بود.

بازگرداندن طالبان بقدرت و تحمیل به مردم افغانستان، امیدهای زیادی را در اردوی ارتجاع سیاسی در منطقه دامن زد. از جمهوری اسلامی تا جریانات و دولت‌های اسلامی در منطقه به تلاش‌های ارتجاعي و ضد جامعه افزودند. این جنبش اسلام سیاسی است که تحت حمایت خالقان خویش، برای قدرت سیاسی و اقتصادی میجنگد و سهمش را میخواهد. خروجی دموکراسی غربی با هر روایتی، ترکیبی از نیروهای اسلامی و ناسیونالیسم قومی و جنگ سالارانی است که یا ساخته و پرداخته همین دولت‌ها هستند و یا توسط آنها حمایت و تجهیز میشوند. راه حل را باید بیرون این معادله جستجو کرد.

امروز مبارزه زنان و تسلیم ناپذیری آنان تنها نقطه روشن در سیاست و جامعه افغانستان است. سیر رویدادها در کشورهای منطقه از جمله در عراق و لبنان و افغانستان و ایران بشدت از هم تاثیر می پذیرند. جمهوری اسلامی بدنبال یک انقلاب در ایران و برای سرکوب آن به مردم تحمیل شد. طالبان اما بعد از یکبار سرنگونی توسط آمریکا، تر و خشک کردن و نگهداشتن اش بعنوان عامل فشار، بعد از شکست دولت فاسد غنی تحفه قبلی دموکراسی و طی یک بند و بست کثیف تحمیل شد.

در ایران جنبش آزادی زن و جنبش کارگری و سوسیالیستی در کشمکش روزمره برای سرنگونی حکومت اسلامی است. در افغانستان بارقه های مقاومت دارد جان میگیرد و هنوز به تمامی از شوک ناشی از تحمیل طالبان بیرون نیامده است. خواست سرنگونی طالبان قوی است اما هنوز به حرکتی قدرتمند بدل نشده است. ارتجاع سیاسی در مقیاس منطقه ای و جهانی، علیرغم تضاد منافع و تناقضات، صفوف خود را علیه حرکت‌های پیشرو و آزادیخواهانه منسجم می کند. جنبش کمونیستی و سوسیالیستی، جنبش برابری و رفع تبعیض، بیش از هر زمان نیاز دارد سیاست واحد و رادیکال خود را حدادی کند. سیاست ما در تقابل با اسلام سیاسی بعنوان روبنای سرمایه داری در این کشورها،

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
Worker-communist Party - Hekmatist

**در همبستگی با اعتراضات گسترده**

**زندانیان سیاسی و در محکومیت قتل عمد**

**بکتاش آبعین، شاعر و نویسنده متعهد**

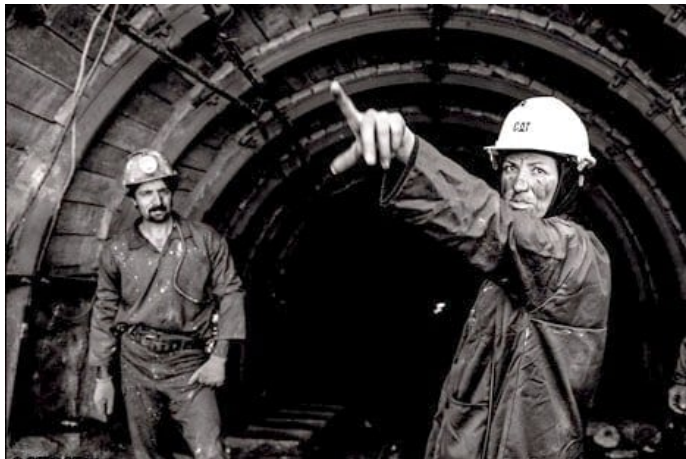
**توسط جمهوری اسلامی به خیابان پیایم!**

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

اعلامیه حزب حکمیت در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

## دستمزد مکفی فوری طبقه کارگر است!



بار دیگر دولت و کارفرمایان، برای تحمیل دستمزدی چند بار زیر خط فقر به کارگران دورخیز کرده اند. سیاست دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرمایان، ارزان سازی مستمر نیروی کار و افزایش سود سرمایه است. خط فقر رسمی در ایران بالای شانزده میلیون و در کلان شهرها بیشتر است. دستمزد فعلی و شیوه "افزایش" آن براساس نرخ تورم جعلی بانک مرکزی، کماکان دستمزدها را دستکم سه بار و در بخشهای بیشتری چند بار زیر خط فقر نگاه میدارد. هدف طرح و لایحه "دستمزد توافقی" و "دستمزد منطقه ای"، که مجموعاً دستمزد دریافتی کارگران را باز هم کاهش میدهد، بازتولید ارزانتر نیروی کار است. همینطور قدرت خرید واقعی کارگران با گرانی بیوقفه و تورم سنگین و تبعات شناور کردن نرخ دلار هر روز سقوط می کند. سرکوب رهبران کارگری، ممنوعیت تشکل و تحزب کارگری و گسترش استبداد در کل جامعه، سنگ بنای سیاست تهاجم مستمر به سفره خالی کارگران است.

کار تبدیل میشود، با توجه به اینکه بخش مهمی از جامعه در فقر و نداری دست و پا میزند و هیچ ارگانی مسئولیت این وضعیت را بعهده نمی گیرد؛ سیاست طبقه کارگر برافراشتن پرچم دستمزد و حقوق پایه مکفی برای کلیه شهروندان و افراد آماده به کار است. سیاست طبقه کارگر، نظر به محدودیت های جدی شمول حداقل دستمزد و رفع مسئولیت دولت از تامین معیشت دهها میلیون حاشیه نشین و بیکار و مردم فقر زده، پاسخی به این سوال محوری و کلیدی جامعه است.

از نظر عملی، نظر به سرکوب و فقدان سازمانهای کارگری مستقل و برسمیت شناخته شده، دخالت طبقه کارگر در روند تعیین دستمزدها، تنها با عمل مستقیم کارگری و متکی شدن به مجمع عمومی ممکن است. یک جنبش مجمع عمومی حول افزایش دستمزدها و تعیین دستمزد و حقوق پایه مکفی، میتواند محدودیتهای کنونی را دور بزند و طبقه کارگر را با پرچمی فراگیر بیش از پیش جلوی صفوف مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه قرار دهد.

دستمزد پایه کارگران باید شامل همه طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و بازنشسته، تولیدی و خدماتی، بدون هیچ استثنائی شود. این دستمزد پایه، اولاً باید جوابگوی تامین هزینه ها و لوازم درخور زندگی انسان امروز باشد و ثانیاً همین میزان بعنوان حقوق پایه مکفی به همه افراد تعلق گیرد. هیچ شاغل یا آماده بکار یا شهروندی نباید از حداقل حقوق پایه که بالاتر از خط فقر است و میزان آن توسط مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعیین میشود، دریافت کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمیت بخشهای مختلف طبقه کارگر را برای برافراشتن خواست دستمزد و حقوق پایه مکفی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت

۱۵ دیماه ۱۴۰۰ - ۵ ژانویه ۲۰۲۱

از نظر ما و کارگران پیشرو و کمونیست، "شورای عالی کار" بعنوان نهادی کارفرمایی متشکل از دولت و کارفرما و چند مزدور حکومتی، صلاحیت تعیین حداقل دستمزدها را ندارد. کارگران کمونیست مخالف الگوی سه جانبه گرایی هستند و تصمیمات نهاد کارفرمایی "شورای عالی کار" را برسمیت نمی شناسند. مرجع تعیین دستمزدها تنها در صلاحیت نمایندگان واقعی و منتخب طبقه کارگر از جمله مجمع عمومی کارگران است. یک هدف طرح "دستمزد منطقه ای و توافقی"، برداشتن هر نوع قانون و چهارچوبی در رابطه کارگر و کارفرما و تداوم محرومیت کارگر از تشکل و قرارداد دستجمعی و امنیت شغلی است.

حزب حکمیت همراه با کارگران پیشرو در تعیین و طرح خواستهای طبقه کارگر خود را به "امکانات و مقدرات" بورژوازی محدود نمیکند. همینطور محاسبه حداقل دستمزدها براساس میزان نرخ تورم و یا با شاخص خط فقر سیاست ما و کارگران کمونیست نیست. ما مخالف شدید نظامی هستیم که هر روز صدها میلیون دلار هزینه فساد و تروریسمش است اما برای طبقه کارگر و مردم محروم "سبد خانواده کارگری" تعیین می کند. کشمکش واقعی در ایران برسر نفی این آپارتاید طبقاتی و فلاکتی است که توسط طبقه حاکم به دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان تحمیل شده است. نقطه عزیمت ما حق بی چون و چرای همه ساکنین کشور برای برخورداری از یک زندگی مرفه و انسانی است. سیاست ما در هم شکستن سیاست تشدید فقر و بمیدان آوردن بخشهای مختلف محرومان زیر پرچم طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت است.

"دستمزد و حقوق پایه مکفی" شعار روز طبقه کارگر

از آنجا که کارگران ایران بدلیل سرکوب سیاسی فاقد سازمانهای توده ای مستقل از دولت هستند و اساساً در روند تعیین دستمزدها نقشی ندارند، همینطور بیشتر کارگران از شمول همان قانون ضد کارگری کار بیرون گذاشته شده اند و اصلاحیه های جدید قانون کار بخش بیشتری از کارگران را محروم تر و غیر ایمن تر میکند، از آنجا که تعیین حداقل دستمزد کارگران به مبنائی برای تعیین دریافتی دیگر بخشهای اردوی

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

## درباره مبارزه با مذهب

متن پیاده شده مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال

**آذر ماجدی:** شما مصاحبه ای داشتید با مجله پرسش درباره عروج و افول اسلام سیاسی. نکات زیادی در این مصاحبه هست که دوست داشتیم در موردشان با شما صحبت کنیم. چون وقت زیادی نداریم میخواستیم فقط در باره چند مورد از آنها از شما سوالاتی بکنم. یکی از نکاتی که شما مطرح کردید، من اینجا مستقیماً نقل میکنم، گفته‌اید که "سکولاریسم یک مجموعه شرایط حداقل است" و ادامه داده اید که "من فقط خواهان سکولاریسم نیستم بلکه خواهان مبارزه آگاهانه جامعه با مذهب هستم". میخواستیم ببینم مؤلفه‌ها و مختصات این مبارزه چیست؟

**منصور حکمت:** وقتی راجع به مذهب و بخصوص اسلام در این دوره صحبت میکنیم باید یادمان باشد که این پدیده‌ای است که میشود نشان داد مایه مشقت و سختی برای بشر است، مایه اختناق و بی حرمتی است، مایه تحقیر انسانهاست. در نتیجه ما با یک بلیه و مساله‌ای روبرویم که باید آن را تخفیف بدهیم. همانطور که شما مثلاً اعتیاد به مواد مخدر را فقط امر شخصی آدمها نمیدانید و میخواهید سعی کنید که اعتیاد اصلاً از بین برود، حتی اگر آدمها اجازه هم داشته باشند مواد مخدر مصرف کنند، هنوز این را کافی نمیدانیم و معتقدیم باید کاری کنیم که این عادت از سر مردم بیفتد. راجع مذهب هم همینطور است. مذهب هم پدیده‌ای است که هر چند شخص آزاد است هر باوری راجع به هر چیز داشته باشد، باور داشتن به این مجموعه فکری و سیاسی و مدنی که اسمش مذهب و مذهب اسلام است، باعث بدبختی مردم شده و در نتیجه مثل هر بلیه دیگری با آن مبارزه میکنید. نفس واگذار کردن آن به امر خصوصی مردم به نظر من کافی نیست. یعنی باید جامعه کاری بکند که اسلام بریفتد. ساده بگویم، باید کاری کنیم که اسلام آزادانه و داوطلبانه توسط خود مردم بریفتد. مردم دیگر اسیرش نباشند، مردم دیگر تحت تأثیرش نباشد و بخاطرش سرکوب نشوند، مشقت نکشند و در خرافه دست و پا نزنند. این چه راهی دارد؟ آموزش و پرورش. یک دولت آزاد که حقایق سیاسی، اجتماعی، مدنی، تاریخی، بیولوژیکی، فیزیکی و طبیعی را به شهروندانش تعلیم میدهد. قانونهای مدنی که از مردم در مقابل دست‌اندازی بنگاههای مذهبی و صنعت دختانیات میکند. مذهب را باید به نظر من مثل صنعت دختانیات دید. همانطور که هر کس مختار است سیگار بکشد، شما قوانینی را وضع میکنید که شرکتهای دختانیات از اعتیاد مردم سوء استفاده نکنند و بیش از حد باعث بیماری‌شان نشوند و دست‌بازی در به اعتیاد کشاندن بچه‌ها و نوجوانان نداشته باشند و... در مورد مذهب هم همین قوانین باید باشد. قوانینی باید وجود داشته باشد که اجازه ندهد که صنعت مذهب که برای خودش دگانی است، زندگی مردم را خراب کند. در طول یک نسل میشود کاری کرد که یک جامعه آزاد بوجود بیاید که مذهب را مثل مالاریا، مثل اعتیاد به مواد مخدر ریشه‌کن کرده باشد.

**آذر ماجدی:** شما بحث را دقیقاً به همانجا بردید که من میخواستم از شما

بپرسم. شما راجع به صنایع دینی و صنعت مذهب صحبت کردید و آنرا با صنعت دختانیات مقایسه کردید. میخواستم بپرسم که منظورتان از صنایع دینی و صنعت مذهب چیست؟ آیا این یک مزاح بوده که شما صنعت دین و صنعت دختانیات را با هم مقایسه کردید؟

**منصور حکمت:** ایدا! ایدا اینطور

نیست. به آن صنعت میگویم بخاطر اینکه عده‌ای فکر میکنند دین اعتقادات مردم است. اینطور نیست! دین یک صنعت است. صاحبی دارد... به نفع عده‌ای است و باعث ثروت مادی و قدرت سیاسی طیف معینی در جامعه میشود و به یک حاکمیت سیاسی و طبقاتی در جامعه خدمت میکند. مذهب صنعتی است که میلیاردها دلار پول در آن جابجا میشود. هزینه تبلیغاتش توسط این پولها پرداخت میشود. این پولها را با کلاهبرداری و اخاذی از جیب مردم بیرون میکنند. در ایران که این پولها را از طریق دولت از جیب مردم درمی‌آورند. این یک دستگاه نشر اکاذیب است. دروغ تحویل مردم میدهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت میترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است. نهاد مذهبی، چه مسیحیت باشد، چه اسلام چه یهودیت، قبل از اینکه مجموعه‌ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات میگیرد، پول میگیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش میکند. در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود یا پولی که خرج کلیسای مسیحیت میشود را کنار هم بگذارید ببینید که با ثروت بزرگترین کمپانی‌های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویم رفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی میکند محصولش را بفروشد، سعی میکند بازار را بخودش اختصاص بدهد، سعی میکند مصرف کنندگان را بخودش معتاد بکند. جامعه‌ای که میخواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان با مذهب روبرو بشود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست. این یک صنعت عظیم خرافه پراکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است. و اگر شما یک جامعه آزاد میخواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید، همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید، همانطور که با کمپانی‌های سودجویی مقابله میکنید که میزدند و میبزدند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند... با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله بشود.

واضح است که اعتقاد هر کس برای خودش محترم است و هر کس باید اجازه داشته باشد که به هر چه که میخواهد باور داشته باشد، ولی اگر بر مبنای این باورها عماراتی سیاسی، نظامی و فرهنگی‌ای ساخته شود که هدفش انقیاد مردم است شما باید از طرف شهروندان و توسط شهروندان جامعه با آن مقابله کنید.

**آذر ماجدی:** به این نکته که در آخر به آن اشاره کردید

## درباره مبارزه با مذهب

متن پیاده شده مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال ...

برمیگردم. اما قبل از آن میخواستم بدانم که عده‌ای ممکن است فقط جمهوری اسلامی را به معنای یک دولت کاملاً مذهبی و یا حتی واتیکان را به این معنی که دولت است بتوانند به این شکل ببینند. اما شما مذهب، مثلاً در اروپای غربی هم که در بعضی جاها از دولت جداست و به هر حال نقش آنچنانی در زندگی مردم ندارد، حتی آن را هم با باند مافیا مقایسه میکنید؟

**منصور حکمت:** اولاً باید بگویم در اروپا آنجا که مذهب این نقش را ندارد، بخاطر این است که کاری که گفتیم را در قرون قبل با آن کرده‌اند. رفته‌اند و اموال و موقوفاتش را گرفته‌اند. قانون وضع کرده‌اند که مذهب اجازه ندارد در آموزش و پرورش دخالت بکند. قانون وضع کرده‌اند که دین اجازه ندارد در احوال مدنی مردم دخالت بکند و... در نتیجه اروپای امروز برای اینکه بفهمیم مذهب چه میتواند باشد، مثال خوبی نیست. برای اینکه میتوانیم صد سال به عقب برگردیم و ببینیم همین دین با مردم چه کارها میکرده است. همین الان پاپ ناگزیر شده است بخاطر همکاری کلیسای کاتولیک با هیتلر و سازمان آدسوزیش، معذرت بخواهد. مثال دیگر ایرلند شمالی است که در آن پروتستانها در مقابل مدرسه ابتدایی صف کشیده‌اند و به شاگردان دختری که به مدرسه ابتدایی میروند سنگ میزنند و حتی بمب با سهرای بینشان پرتاب میکنند، برای این که آنها کاتولیکند و اینها پروتستان! ماجرای یوگسلاوی را باید نگاه کرد و کشمکشهایی که در آنجا هست. به چینی و افغانستان باید نگاه کرد. در نتیجه مذهب به نظر من بطور کلی این نقش را دارد. در جاهایی مردم گوشش را گرفته‌اند و تاحدی سرچایش نشانده‌اند، در آنجاها حالت متمدنی بخودش گرفته است. منتها به عنوان یک نیروی ذخیره همیشه آنجا و حی و حاضر است. بله من کلیسای مسیحیت در اروپای غربی را هم دقیقاً در همین چهارچوب قرار میدهم. منتها این مذهب الان در نقشی به آن شوری که اسلام دارد، و برای مثال در ایران و افغانستان آدم میکشد، نیست ولی نقشش را در سرکوب زنان، در خفه کردن افکار آزادیخواهانه و جلوی نوآوری را گرفتن... دارد، و هنوز هم دستش در جیب مردم است. هنوز هم دست کلیسا بشدت در جیب مردم است. و منابعی که باید صرف خوشبختی مردم بشود را میگیرند و صرف نشر خرافه در بین مردم میکنند. ضررش آنقدر که در ایران و افغانستان و عربستان سعودی میبینید مشهود نیست ولی کاملاً با عدد و رقم میشود نشان داد که کلیسا چه نقشی دارد.

در جاهایی ظاهراً کلیسا علیه رژیمهای استبدادی چرخیده است، برای مثال در آمریکای لاتین و غیره. منتها این کلیسا نیست که چرخیده است. آن کلیسایی است که میبیند مردم چپگرا هستند و دارد سعی میکند، برای اینکه رونق دگانش را حفظ کند، با مردم همراه شود. ولی هر موقع و بر سر هر بزنگاه جدی اجتماعی اسلام و مذهب را کنار طبقات

حاکم مشاهده میکنید که دارد به آنها خط میدهد و سرکوب و انقیاد اجتماعی را توجیه میکند.

**آر ماجدی:** شما در پاسخ به سؤال قبلی اشاره کردید که باید خرج شود، نیرو گذاشته شود و بساطشان جمع شود. وقتی که حزب کمونیست کارگری در قدرت سهیم باشد و جمهوری سوسیالیستی در ایران باشد، این کار چه اشکالی بخودش میگیرد؟ شما گفتید که باورهای مردم محترم است... ممکن است این درست نشان ندهد که برخورد به مذهب و مساجد و آخوندها چه خواهد بود و برخورد به مردمی که معتقدند مسلمانند چه؟ اینها را اگر میشود توضیح بدهید.

**منصور حکمت:** به نظر من باورهای شخصی برای خود آدمها محترم است. من ممکن است احترامی به عقاید راسیستی و نژادپرستانه کسی نگذارم، که نمیگذارم، اما خودش اگر میخواهد اینطور فکر کند، تا وقتی که آزارش به کسی نرساند، نظر خودش است. هر بشری حق دارد به هر جای دنیا به هر شکلی که میخواهد فکر کند. کسی اجازه ندارد برای دنیای داخلی کسی قانون وضع کند و بگوید تو حق نداری اینطور یا آنطور فکر کنی. البته این معنایش این نیست که ما سعی نمیکنیم افکار کسی را عوض کنیم. بشر باید بین افکار و ایده‌های مختلف، انتخاب داشته باشد، باید بتواند انتخاب کند. یک نقش اساسی مذهب این است که بقیه ایده‌ها و افکار آزادیخواهانه را با زور و تعصب از جلوی چشم مردم دور کند و علیه قانون وضع میکند. طالبان عده‌ای را در کابل گرفته و میخواهد اعدام کند به این دلیل که میخواسته‌اند دین دیگری را تبلیغ کنند! در آنجا شاید این خیلی شور و افراطی باشد اما این ماهیت کار همگیشان است. آموزش و پرورش کلید اصلی است، این که آدمها احتیاجی نداشته باشند به خرافات باور کنند و بدانند که دنیا چیز دیگری است. اما فقط آموزش و پرورش کافی نیست. باید قوانینی وضع کرد که این نهادهای مذهبی را زیر کنترل میآورد. به عنوان مثال باید حسابهای مالی‌شان را مثل هر بنگاه دیگری بررسی کرد. بالاخره سیستم اسلامی و به اصطلاح مساجد و آیت‌الله‌ها هم باید مطابق همان قانونی باشند که بیسکویت ویتانا یا شرکت آبرگمن سازی یا شرکت دخانیات وینستون و گمل هستند، باید حسابهایشان را نگاه کنند و ببینند که پولشان را از کجا آورده‌اند و چطور خرج کرده‌اند. مالیات داده‌اند یا نه. ببینند زدی نکرده باشند، سر دولت کلاه نگذاشته باشند، اخاذی نکرده باشند و غیره.

یک سری قوانین هست که به شکل کنونیش هم باعث بسته شدن خیلی از اقدامات مذهبی میشود. قانون حمایت حیوانات را اگر جدی بگیریم باید بخش زیادی از شعائر اسلامی در دکانشان را تخته کنند. برای اینکه بشدت با حیوانات خشونت آمیز رفتار میکنند. اگر با قوانینی که شایسته حقوق کودک است از حقوق کودک دفاع بکنیم بخش زیادی از فعالیتهای مذهبی باید تعطیل بشود. بخاطر اینکه با آزادی اطفال منافات دارد. برای اینکه کودکان باید از تهدید، ارباب و شکنجه و کار اجباری و غیره مصون باشند. حقوق زن را اگر درست پاسداری کنیم، مذهبیون اجازه پیدا نمیکنند خیلی از قوانینشان را اجرا کنند. اگر قرار باشد زن و مرد حقوقشان در جامعه برابر باشد، تمام قوانین خانواده، ازدواج و طلاق و ارث و میراثی که اسلام برای مثال آورده، غیر عملی میشود و باید کنار گذاشته شود. هر جا هم که کسی بخواهد مطرحش کند با قوانین مدنی کشور در اختلاف قرار میگیرد. میخواهم بگویم که اگر از

## درباره مبارزه با مذهب

متن پیاده شده مصاحبه منصور حکمت با رادیو اترناسیونال ...

حقوق مدنی انسانها دفاع کنیم بخش زیادی از مذهب برچیده میشود. و اگر از علم و آزادی اندیشه دفاع کنیم بخش دیگری از آن برچیده میشود. حال اگر آخر سر هنوز دویست و پنجاه نفر در کشور شصت میلیونی ایران معتقدند که بعله روز محشری هست و چند رکعت در روز باید نماز خواند و اگر نخوانی فلان میشود و حتما آدم باید هر چند وقت یکبار یک گوسفند سر ببرد بخاطر اینکه یک موقع ابراهیم خلیل نزدیک بوده بچه‌اش را سر ببرد... میل خودشان است. آدمهای از این عجیب‌تر هم در دنیا هست. ولی این دیگر قانون اجتماعی نمیشود و مزاحمتی برای کسی بوجود نمی‌آورد. و حتی خود آنها هم اگر فرض کنیم یک عده آدمهای معتقد به این خرافات دارند با خانواده‌شان یا با فرزندان‌شان رفتاری میکنند که نه از حقوق مدنی آنها بلکه از دین اینها و تعصبات اینها مایه گرفته، دولت جلوی‌شان را میگیرد. من معتقد نیستم که باید علیه اسلام خشونت کرد یا اصلا علیه مسائل دیگر اجتماعی که وجود دارد، خشونت بکار برد. ولی معتقدم که قوانین و آگاهگری توأم با هم میتوانند در اسلام را ببینند. رئیس کلیسای انگلستان برای مثال اعلام کرده که وضع مسیحیت خراب است و دیگر ردی از مسیحیت باقی نمی‌ماند. برای چی؟ برای اینکه مردم دیگر به آن احتیاجی ندارند و دیگر زور هم نمیتواند بگوید.

۱۵ فوریه ۲۰۰۱



### از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!

دشمنان کارگران هفت تپه، نهاد‌های حکومتی و امنیتی، برای فرزانۀ زیلابی وکیل شر افرمند کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند. فرزانۀ زیلابی تنها بعنوان وکیل از کارگران هفت تپه صمیمانه حمایت کرده است. اما به همین دلیل به وی انواع اتهامات واهی منتسب کردند. پرونده خانم زیلابی علامت "محرمانه" خورده و حتی خود وی از چند و چون اتهامات اطلاع ندارد.

این اقدام انتقام از کارگران هفت تپه و سرکوب وکلای شر افرمندی است که از مردم کارگر و زحمتکش دفاع می‌کنند. از فرزانۀ زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت  
Worker-Communist Party of Iran - Hekmat

## در حمایت از اعتراضات گسترده زندانیان

### سیاسی به خیابان بیایم!

جمهوری اسلامی ایران بی تردید یکی از خونخوارترین و ضدانسانی ترین نظام حکومتی حافظ سرمایه طی چهل و دو سال گذشته در جوامع بشری است. جمهوری اسلامی ایران برای حفظ حکومت خود از سرکوب گسترده اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده ائی تا کشتار آزادیخواهان و آزاد اندیشان هیچگونه ابائی نداشته و ندارد. از سرکوب اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ تا اعتراضات مردم خوزستان که به اعتراضات تابستان ۱۴۰۰ معروف است، صدها نفر کشته و هزاران نفر دستگیر و روانه زندانهای جمهوری اسلامی شده اند. جمهوری اسلامی در سایه سکوت معنی دار دول غربی و رسانه های بین المللی آنان، هزاران رهبر کارگری، نویسنده و آزادیخواه را از جمله:

بکتاش آبتین نویسنده، شاعر و فیلم ساز، زینب جلالیان، زندانی سیاسی

ریحانه طباطبایی، روزنامه‌نگار، سپیده قلیان فعال سیاسی و ... دستگیر، شکنجه و در پشت دیوارهای زندان یا اعدام یا به کشتن میدهد.

بکتاش آبتین شاعر و فیلم ساز جسور و مبارز و عضو کانون نویسندگان ایران بود که به همراه نویسندگان دیگری همانند رضا خندان (مهبادی)، کیوان باژن و آرش گنجی در زندان جمهوری اسلامی به کرونا مبتلا شده بود اما زندانبانان جمهوری اسلامی مانع انتقال او به بیمارستان شدند و تنها هنگامی که دیگر خیلی دیر شده بود، او را به بیمارستان طالقانی انتقال دادند. بکتاش آبتین چند روز پس از انتقال اش به بیمارستان جان باخت. خبر جان باختن آبتین با انزجار افکار عمومی و بخصوص با واکنش زندانیان سیاسی در بند مواجه شد. آنها با سر دادن شعار مرگ بر دیکتاتور دست به اعتراض زدند و علیه مسئولین زندان و علیه حکومت اسلامی شعار دادند. اعتراضات زندانیان سیاسی که با اعتراضات بند هشت زندان اوین آغاز شده بود، امروز سراسر زندانهای جمهوری اسلامی را در بر گرفته است.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست از اعتراضات زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی دفاع میکند و همه آزادیخواهان، آزاد اندیشان و انساندوستان را فرا میخواند که به جمهوری اسلامی و رفتار دمدنشانه اش بخصوص با زندانیان سیاسی اعتراض کنند. ما خواهان همبستگی جهانی در دفاع از زندانیان سیاسی و آزادی فوری همه آنان می باشیم و برای این منظور آزادیخواهان جهان را دعوت میکنیم که در تجمعات اعتراضی بر علیه سیاست سرکوبگرانه حکومتگران اسلامی در ایران شرکت کنند.

#مرگ بر جمهوری اسلامی

#زندانی سیاسی باید بی قید و شرط آزاد شود

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۶ جولای ۲۰۲۲

اعدام قتل عمد دولتی است!



در آن شریک میدانستند. به این دلایل در همان کنگره دوم و بعداً با اقبال عمومی در حزب کمونیست ایران روبرو شده بود. مشخصاً کنگره ششم کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران از مباحث کمونیسم کارگری تأثیر جدی گرفت، اسناد اصلی آن کنگره و از جمله سند استراتژی ما در جنبش کردستان توسط منصور حکمت نوشته شد. دبیر اول

کومه له خود معرف و مبلغ آن در کنگره ششم بود. اما این اقبال عمومی از کمونیسم کارگری دیری نپایید و دقیقاً با آغاز روندهای سیاسی اجتماعی متفاوت در بیرون حزب و در فضای سیاسی ایران و در محیط فعالیت کومه له و بر بستر وجود گرایش‌های سیاسی متفاوت در درون حزب، شکاف گرایش‌های سیاسی متفاوت در آن بیش از پیش برجسته شد.

اولین جرقه اساسی این شکاف با ختم جنگ ایران و عراق رقم خورد. با شکست جمهوری اسلامی در این جنگ و نوشیدن جام زهر توسط خمینی، آتش بس در جنگ ۸ ساله ایران و عراق به وجود آمد. این روند در همه ابعاد فضای سیاسی ایران و از جمله بر اپوزیسیون تأثیر گذاشت. سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له - یک نیروی مسلح بزرگ و در مناطق مرزی پایگاه‌های نظامی و فرستنده های رادیویی و کلی امکانات داشت. اینکه در پایان جنگ این دو دولت سرنوشت نیروی علنی و نظامی ما و ادامه کاری آن چه میشود؟ خود مبنای استراتژی و سیاستهای متفاوت در رهبری حزب کمونیست ایران شد. از مقطع پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی آن حزب و بعداً در پلنومها و اجلاس تصمیم گیرنده کمیته مرکزی کومه له به وضوح استراتژی و سیاستهای متفاوت در مقابل آن اوضاع و در مقابل کار کرد تشکیلات علنی و نظامی حزب قرار گرفت. منصور حکمت در راس کمیته مرکزی حزب استراتژی کمونیستی روشنی را طرح کرد و در مقابل کمیته رهبری کومه له و در راس آن دبیر اول کومه له به استراتژی شناخته شده ناسیونالیسم کرد یعنی ادامه حیات سیاسی سازمانی در شکاف نیروها و دولت‌های منطقه به قیمت قبول عقب‌گردهای سیاسی عملی جدی تن داد و تاکنون هم آن را ادامه داده است. رساله دورنمای فعالیت حزب در کردستان نوشته منصور حکمت به طرز شفاف دیدگاه کمونیسم کارگری در مقابل آن اوضاع را بیان میکند. این واقعه سیاسی اجتماعی مبنای شکاف و جدال گرایش کمونیستی و ناسیونالیستی در درون حزب و سازمان کردستان آن شد. مبنای صف بندی مشهور چپ و راست به مدت بیش از دو سال در کومه له و حزب کمونیست ایران شد. این واقعه اولین تند پیچ سیاسی جدی در مقابل کمونیسم کارگری بود. بخشی از نیرویی که پشت آن خط مشی جمع شده بودند، از آن فاصله گرفت و مهمتر در مقابل پیشرویهایی قابل پیش بینی کمونیسم کارگری در سطح جامعه و در میان آن حزب و کومه له مانع جدی ایجاد شد. برای شناخت آن دوره و اینکه چی اتفاق افتاد، نمیشود به جلسات درون تشکیلاتی و اینکه در جملهای فکری سیاسی درون حزبی چی گذشت اکتفا کنید، می‌خواهم تأکید کنم این روند سیاسی اجتماعی تأثیر گذار بود. گرایش ناسیونالیستی در مباحثات درون حزبی و در آن جدال معین شکست خورد و عقب نشست و اما این پدیده تمام نشد.

## ۲- آغاز روند فروپاشی بلوک شرق و پیامدهای آن

تندپیچ اساسی تر و تعیین کننده تر در دهه پایانی قرن بیستم

## دلایل سیاسی مهم جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران و کومه له

رحمان حسین زاده

**توضیح ضروری:** در دو هفته اخیر جدایی در حزب کمونیست ایران و کومه له اتفاق افتاده است. رهبری راست ناسیونالیست در کومه له ناتوان از پاسخ گویی سیاسی به جناح چپ مقابل خودش (اکثریت کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و بخش مهمی از تشکیلاتهای آن حزب در داخل و خارج و بخش نظامی) به نحو مشمزز کننده ای به فراقنی در بیرون جریان و سازمانشان روی آورده است. در حرکتی تماماً اپورتونیستی، به منظور پرده پوشی سیاستها و اقدامات راست روانه از جمله در کنگره اخیرشان، و شانه خالی کردن از عواقب اسکندالهایی که در دو هفته اخیر در مقابل جناح چپ مرتکب شدند، بار دیگر به فضاسازی خصمانه علیه کمونیسم کارگری و شخص منصور حکمت روی آوردند. بدون هیچ منطق و مناسبتی به جدایی کمونیسم کارگری در ۳۱ سال قبل، آن هم از زوایه پرونده سازی جعلی در مورد "نحوه نقل و انتقال امکانات و اموال" برگشته اند و البته پاسخ مستند و مستدل و محکم گرفتند. به زعمشان گویی آن جدایی مهم که اکثریت قاطع و بالای رهبری، کادرها و اعضای شناخته شده وقت حزب کمونیست ایران و کومه له همراهش شدند، دلایل سیاسی و طبقاتی و جنبشی نداشته است. در مورد مباحث و تصمیمات و راه حل های سیاسی و تشکیلاتی متفاوت و مورد اختلاف حاد کمونیسم کارگری و گرایش‌های دیگر و در رأسشان با گرایش ناسیونالیستی در آن مقطع در حزب و در کومه له چیزی نمیگویند. در مطلب زیر به چند دلیل سیاسی مهم جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران و کومه له در سال ۱۹۹۱ پرداخته ام. این مطلب بخشی از مباحث کتبی شده و مفصلتر سمیناری است به نام **(کمونیسم کارگری: جمع بندی فشرده)** که ۹ سال قبل برای اولین بار منتشر شده است. در فرصت دیگر به سهم خود بار دیگر سابقه جدالهای سیاسی درون حزب کمونیست ایران و کومه له و دلایل و نحوه جدایی کمونیسم کارگری از آن جریان را مرور میکنم. اکنون توجه تان را به مطالعه نوشته زیر جلب میکنم.

## ۱- ختم جنگ ایران و عراق و تأثیرات آن

قبلاً گفتیم برای اولین بار در کنگره دوم حزب کمونیست ایران در زمستان سال ۱۹۸۶ میلادی مباحث کمونیسم کارگری به عنوان یک خط مشی فکری سیاسی متمایز و یک گرایش در حزب توسط منصور حکمت مطرح شد. در وهله اول با استقبال عمومی، در حزب کمونیست ایران روبرو شد، به نظرم دلایل این استقبال عمومی اینها بود. اولاً در سطح جهانی آن زمان هنوز کمونیسم هر چند فرمال معتبر بود. آثاری از فروپاشی بلوک شرق دیده نمیشد. دوماً هنوز دوره خوش بینی در حزب کمونیست ایران بود. دوره تحولات حاد در فضای سیاسی ایران نبود و شکاف گرایش‌های درون حزب به وجود نیامده بود. این مباحث به طور کنکرت انتقادی به سیاست و پراتیک حزب معرفی نشده بود و عمدتاً به عنوان خط حزب معرفی شده بود و همه خود را

## دلایل سیاسی مهم جدایی کمونیسیم کا رگری

### از حزب کمونیسیت ایران و کومه له ...

ناپذیر شد. ضرورت دفاع بی ابهام و روشن از کمونیسیم و آزادیخواهی و برابری طلبی وجود یک حزب کمونیسیت کارگری روشن بین را ایجاب میکرد. منصور حکمت این تصمیم را گرفت و طیف وسیع کادرها و اعضای کمونیسیت همان تشکیلات در این مسیر با منصور حکمت همگام شدیم.

در جمع بندی این قسمت میخواهم دوباره تاکید کنم، با تند پیچهای تعیین کننده و جهانی و منطقه ای روبرو شدیم و عقب گردهای جدی به جهان تحمیل شد. پیامدهای جدی و شکافهای جدی برای ما داشت. نقطه شروع شکافهای به وجود آمده، جدالهای مکتبی و فکری و سیاسی و سازمانی و رفتار و کردار انسانها در خود نبود. روندهای سیاسی اجتماعی تعیین کننده، انتخابهای سیاسی را موجب میشود. جریانها و رهبران و شخصیتها و فعالین سیاسی با انتخابهای سیاسی روبرو میشوند و شدند. این واقعه عینا در میان ما هم اتفاق افتاد و با انتخابهای سیاسی و جدی روبرو شدیم. عده ای کمونیسیم کارگری را انتخاب کردیم و عده ای ناسیونالیسم و گرایشهای دیگر را انتخاب کردند. آن روند جهانی فروپاشی شرق مانع بزرگی در مقابل پیشرویهای کمونیسیم کارگری بود. بحران خلیج و پیامدهای آن و عروج ناسیونالیسم کرد تا حد تشکیل دولت اقلیم مانع بزرگ ایجاد کرد و از جریان ما نیرو گرفت. من تصور میکنم که مثلا اگر بحران خلیج و قدرت گیری ناسیونالیسم کرد نبود، احتمالا جدایی در حزب کمونیسیت ایران حداقل در آن مقطع اتفاق نمی افتاد و گرایشهای دیگر هژمونی کمونیسیم کارگری را قبول میکردند و ما بی دردمرتر کارمان را ادامه میدادیم. در هر حال در مقابل این موانع و اگرایی سیاسی در عین حال صلابت سیاسی و خودآگاهی کمونیسیتی و روشن بینی کمونیسیم کارگری برجسته میشود. این ترند در سطح ایران و در عراق نیرو میگیرد. سنگری را در دفاع از کمونیسیم و آزادیخواهی ایجاد میکند. اگر از یک طرف شاهد و اگرایی گرایشهای دیگر بودیم و راه خودشان را جدا کردند و از طرف دیگر با ایستادگی کمونیسیم کارگری بر مارکسیسم و بر عملی بودن آن، واقعی بودن، جواب روز بودن کمونیسیم به آن مشقات و مسائلی که بورژوازی در دنیا میخواست تحمیل کند، روبرو هستیم. اینجا دوست داشتم به ادبیاتی که آن دوره تولید شده و لازم است نسل جوان و حتی خود ماها به عنوان ادبیاتی که واقعا همین امروز هم کارکرد عملی برابمان دارد به آن مراجعه کنیم. مثلا مباحث مهم منصور حکمت در کنگره سوم حزب کمونیسیت ایران که در بسوی سوسیالیسم شماره ۳ آن دوره منتشر شده اند و مشخصا بیانیه اوضاع بین المللی و موقعیت کمونیسیم اثر منصور حکمت و سخنرانیها حول آن، به دنبال آن سمینار مهم مارس ۱۹۸۹ تحت عنوان "مبانی کمونیسیم کارگری"، و رساله ی مهم "تفاوتهای ما"، یا بحثهای احزاب و جنبشهای سیاسی که در رساله دورنمای فعالیت حزب در کردستان توسط منصور حکمت نوشته شده است. مباحثی که در عرصه سازماندهی حزبی، سیاست سازماندهی ما در میان کارگران، عضویت کارگری یا سازمانهای توده ای کارگری و مجمع عمومی و شورا، در عرصه مبارزات اقتصادی طبقه کارگر و ...، و مهمتر از همه مباحث و مصاحبه های منصور حکمت که به تبیین مارکسیستی فروپاشی بلوک شرق و به قول حکمت به طلوع خونین نظم نوین جهانی آمریکا و غرب و ماهیت بحران خلیج و هژمونی طلبی آمریکا در دنیای بعد از فروپاشی شرق میپردازد. اینها مباحث و مختصات آن دوره هستند و به نظرم در ایجاد شفافیت خط کمونیسیتی ما بسیار تعیین کننده بودند.

\*\*\*

با اتمام روند فروپاشی بلوک شرق و بلوک جهانی سوسیالیسم دروغین شروع شد. این پدیده ای بسیار بزرگ و جهانی بود. کمونیسیم کارگری به موقع در کنگره سوم حزب کمونیسیت ایران در ژانویه ۱۹۸۹ همه ابعاد اثرات شکست بلوک شرق و اثرات پایان جهان دو قطبی را مستدل کرده است. اینجا منظور بازگشت به همه آن مباحث نیست. از زوایه بررسی مشخص مورد نظر این سمینار پیامدهای این واقعه را در مقابل کمونیسیم کارگری اشاره میکنم. با فروپاشی بلوک شرق و اگرایی فکری سیاسی جدی در سطح جهان و در منطقه فعالیت ما و در جنبش و حزب آنوقت ما هم شکل گرفت. منصور حکمت در بیانیه "اوضاع بین المللی و موقعیت کمونیسیم" ارائه شده به کنگره سوم حزب کمونیسیت ایران و در مباحث آن کنگره به روشنی میگوید هر چند اردوگاه شرق هیچ وقت اردوگاه سوسیالیستی نبود و ما آن را سوسیالیستی ندانستیم، اما شکست آن در مقابل سرمایه داری بازار آزاد، و اگرایی و عقب گرد جدی به جهان معاصر و فشار جدی بر چپ و کمونیسیم واقعی هم خواهد داشت. دوران هزیمت و عقب نشینی هر نوع سوسیالیسم و کمونیسیم غیر کارگری خواهد بود. جمله زیبایی دارد که میگوید "وقتی میرسد که در مقابل هر یک نفر مارکسیست که کماکان از کمونیسیم دفاع کند، دو هزار نفر سابقا مارکسیست وجود خواهند داشت که از ناکارایی مارکسیسم میگویند و به آن پشت میکنند". آن زمان خیلی زود و یکسال بعد از آن کنگره رسید و شاهدش بودیم. در سطح جهان همین اتفاق افتاد و احزاب و جریانها به اصطلاح سوسیالیست و به ویژه متأثر از شوروی اهداف و اسامی خود را عوض کردند، که اینجا وارد آن نمیشوم. تا آنجا که به حوزه فعالیت ما در ایران و منطقه است، اثر گذاشت. در خود حزب کمونیسیت ایران اثر گذاشت. شکاف گرایشهای مختلف، راست و چپ و سائتر آن حزب بیشتر شد. و اگرایی گرایشهای دیگر بیشتر شد. تمایزات کمونیسیم کارگری با رهبری منصور حکمت و جویهای روشنی که اتفاقا به روند فروپاشی شرق داد، سنگربندی تیزبینانه و محکمی نمود.

### ۳- بحران خلیج و پیامدهای آن!

در دل این تند پیچ جهانی، یک تند پیچ منطقه ای اما با پیامدهای جهانی به وقوع پیوست و آن هم اشغال کویت توسط رژیم بعث عراق بود. این فرصتی شد برای آمریکا و غرب تا این پدیده را به سطح یک بحران بین المللی ارتقا دهند. هژمونی طلبی آمریکا در اثنای فروپاشی شرق گل کرد. آمریکا میخواست رهبری خود را بر جهان تثبیت کند. صف بندیهای جهانی و منطقه ای و محلی را به نفع جبهه خود شکل داد. به قول منصور حکمت "نظم نوین خونین جهانی" طلوع کرد. عقب گردهای جدی به دنیا تحمیل شد. رژیم عراق در این جدال شکست خورد و اثرات جدی در محیط فعالیت ما در حزب کمونیسیت ایران و کومه له داشت. یکی از پیامدهایش برچیده شدن حاکمیت فاشیست بعث عراق در کردستان عراق و قدرت گرفتن ناسیونالیسم کرد بود. در نتیجه ناسیونالیسم کرد منکوب شده در کومه له هم جان گرفت و این بار به هژمونی کمونیسیم کارگری در کومه له و حزب کمونیسیت ایران تمکین نکرد و با استراتژی و سیاست متفاوت خود بیش از پیش راه خود را جدا کرد. نهایتا جدایی کمونیسیم کارگری از حزب کمونیسیت ایران اجتناب



# پیش به سوی تجمع سراسری فرهنگیان بازنشسته و شاغل شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

تهران: مقابل مجلس

مراکز استانها: مقابل اداره کل

شهرستانها: مقابل

اداره آموزش و پرورش

دوشنبه (۱۱ بهمن)

ساعت ۱۰

**در اعتراض به**

عدم اجرای همسان سازی بازنشستگان

عدم اجرای کامل رتبه بندی

عدم اجرای اصل سی قانون اساسی

بازداشت معلمان و پرونده سازی علیه فعالان صنفی

**زنده باد شوراها!**

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

**آموزش رایگان برای همگان!**



هستند که میتوانند کاملاً علمی و با حساب و کتاب نشان بدهند، و بارها نشان دادند، که هزینه بازتولید نیروی کار چقدر است. در جایی که خط فقر بالای پانزده و شانزده میلیون و در کلان شهرها بیشتر است، این چه کار علمی و تحقیقی است که کارگر را به فلاکت اقتصادی محکوم میکند؟ تنها "علم" ارزان سازی نیروی کار با توجیهات پادروای اقتصاد سیاسی.

جواب ما و کارگران به رئیسی و خامنه ای و وزیر کار ابله اش اینست که باید رفع زحمت کنید. کارگران نمی پذیرند، حتی اگر بخواهند نمی توانند بپذیرند. نگوئید نداریم، دارید. هر روز ارقام کلانی حیف و میل و اختلاس میشود. هر روز ثروتهای سرقت رفته تان نجومی تر میشود. چرا باید امثال تو در لواسان زندگی کند و کارگر در حاشیه شهر و آلونک یافت آباد بدون کمترین امکانات بدوی؟ کی گفته این قانون را باید پذیرفت؟ این جنگ دستکم از دیماه نود و شش در مقیاس وسیع شروع شده و نهایتاً شما را بر زمین سخت می کوبد. این را اطمینان داشته باشید.

رئیسی مفلوک چهره تمام قد و انعکاس استیصال خامنه ای و نظام اسلامی است. رئیسی که هنرش آدمکشی و قتل عام است، پرچم سفید را بالا برده و مثل هر آخوند وقیح میگوید ما کاری نمیتوانیم بکنیم! برای همین است که امروز همه مثل ما میگویند باید سرنگون شوید. شماها نمیتوانید، اما ما و کارگران میتوانیم. ما تضمین میکنیم که دستمزد و حقوق مکفی برای تمام شهروندان تامین شود. کارگران تضمین می کنند هرآنچه که بورژوازی ادعا دارد "نمیشود" و "نمیتواند" را به بهترین وجه تامین کنند. کافی است هزینه تروریسم و خرافات اسلامی و میلیتاریسم حکومتی را هرس کنید، کافی است هزینه های نجومی اختلاس را به نیازهای بلافصل جامعه و کارگران اختصاص داد. با "چکار کنیم" نمی توانید گریبان خود را رها کنید. جامعه دارد می ترکد. حتی نارضایتی تا رگ گردن یعنی اعتراض زندانبانان به شما نزدیک شده است.

ما میگوئیم حقوق و دستمزد پایه همه شهروندان باید رقمی بالای خط فقر و جوابگوی تامین نیازها و لوازم زندگی باشد. تامین این ممکن است اگر اولویت اقتصادی و سیاسی رفع نیازهای مردم باشد. شما بی خاصیت ها و سربراهای جامعه، شما منادیان خرافات و عقب ماندگی و جهالت، تنها برای بشریت و جامعه ایران هزینه دارید. گورتان را گم کنید، ما و کارگران جواب داریم و آماده ایم مشکلاتی را که شماها و طبقه بورژوازی از حل آن عاجز است، بسهولت حل کنیم و جواب دهیم.

۲۷ ژانویه ۲۰۲۲

**به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست**

**کمک مالی کنید!**

## رئیسی: "میدانیم اما ما چکار کنیم!"

## کارگران: بروید، ما اداره می کنیم!

سیاوش دانشور

حال که هر روز بیشتر از دیروز امواج اعتراض علیه فقر و گرانی گریبان حکومت را گرفته است، رئیسی قاتل حرفه ای اعتراف میکند که بله "میدانیم حقوق ها کم است اما ما چکار کنیم!" یعنی همین است که هست، کاری هم از دست ما ساخته نیست، خوشحال هم باشید همین را دارید! آنطرف تر، عبدالملکی وزیر کار گفته است: "برای تعیین مزد سال جدید مطالعات داخلی، خارجی انجام شده و دانشمندان برای محاسبه مزد درگیر شده اند و کمیته دستمزد فقط محلی برای چانه زنی نمایندگان کارگری و کارفرمایی نیست و با کار علمی به سمت حقوق و دستمزد عادلانه می رویم که هم به نفع کارگر باشد هم کارفرما تحت فشار قرار نگیرد!"

این حضرت آقا تیرانداز و آدمکش است، از شاگردان مصباح یزدی و خشکه مقدس ترین ها است که بر صندلی وزارت تکیه داده است. کدام دانشمندان و مطالعات داخلی و خارجی؟ چرند میگوید. سه جلسه نمایندگان دولت و کارفرمایان برای تعیین دستمزد آنهم با عددی که مرکز آمار و بانک مرکزی براساس رقم قید شده در طرح بودجه تحویلشان داده، اسمش مطالعه و بررسی نیست. یک شیادی سیاسی سرمایه داران برای تحمیل دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اسلامی به کارگران است.

"دستمزد عادلانه!" این یکی را معلوم نیست چه کسی یاد این چماقدار تازه وزیر داده است. شاید برخی توده ایست و اصلاح طلب که چیزهایی به گوششان خورده، به جناب وزیر مشورت میدهند. دستمزد در بهترین حالت "عادلانه" نیست، بردگی که عادلانه نمیشود، در نظام مبتنی بر استثمار فرد از فرد عدالت وجود خارجی ندارد. لازم نیست وزیر کار کاسه داغ تر از آش شود. رئیسی جلاذ بی پرده میگوید؛ میدانیم حقوق و دستمزدها کم است اما کاری نمی توانیم بکنیم! نه فقط میدانند بلکه آگاهانه همین سیاست را دنبال می کنند تا نیروی کار کارگر هر سال ارزانتر از پارسال شود و مجموع سود حاصله سرمایه داران افزایش یابد. دولت سرمایه دار کارش همین است، حمایت از سرمایه ها برای سوددهی و چلانیدن بیشتر کارگران و اعمال ریاضت اقتصادی. لازم نیست اقتصاددانان مزدور حکومتی و نوکر اتاق بازرگانی را بیاورید و "کار علمی" بکنید، کور که نیستید می بینید قیمت ها ساعتی و دقیقه ای بالا میرود، چند نرخی در بازار را می بیند، خودتان عاملش هستید، شماها قانون پشت قانون و اصلاحیه پشت اصلاحیه به قانون کار میاورید، از دستمزد منطقه ای و توافقی تا افزایش پله ای دستمزد تا هر کدام دست کارفرمایان را برای سازماندهی بردگی مطلق بیشتر باز کند.

تعیین دستمزدها تنها در صلاحیت کارگران و نمایندگان منتخب آنهاست. این مجامع عمومی کارگران و مجامع نمایندگان کارگران

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در باره

## جدایی در حزب کمونیست ایران و کومه له

درون کومه له سرراست تر حرکت خود را برای ادغام در جنبش ملی کرد، در پیش گیرد. این رویداد به دنبال تحولات سوریه و خروج دولت بعثت اسد از کردستان سوریه اتفاق افتاد. در کردستان سوریه، قدرت گیری شاخه پ.ک.ک ناسیونالیسم کرد موجب تقویت جریان ناسیونالیستی پ.ک.ک در بخشهای مختلف کردستان و در منطقه شد. این بار گرایش ناسیونالیستی درون کومه له تحت هدایت مستقیم دبیر اول آن همسویی با جریانات کمپ و اقمار پ.ک.ک گرد آمده در "کنگره ملی کرد، (ک.ن.ک)" و نزدیکی با "پژاک" شاخه سازمانی پ.ک.ک در کردستان ایران را انتخاب کرد. به علاوه شکل گیری مرکز همکاری احزاب ناسیونالیست در کردستان ایران و دغدغه دائمی رهبری کنونی کومه له که از معادلات و مناسبات جریانات ناسیونالیست کردستان ایران حذف نشود، فاکتور دیگر نقطه عزیمت این گرایش برای برداشتن گامهای دیگری برای پیوستن به جنبش ملی کرد است. این خط مشی راست و ناسیونالیستی غیرقابل انکار در مباحث و سند مصوب کنگره هفدهم کومه له تحت نام اولویت کومه له "تحکیم موقعیت آن سازمان در جنبش ملی کرد" (نه در جنبش طبقاتی و اعتراضی) صراحتاً اعلام شد که متأسفانه آنوقت با نقد به موقع و مخالفت جدی جناح چپ در درون کومه له هم روبرو نشد. در نتیجه تلاش برای پیوستن به جنبش ملی کرد، اساس خط مشی کنونی رهبری کنونی کومه له و دبیر اول آن است. بر این اساس جناح راست مسیر خلاصی یافتن از مزاحمتها و مانع تراشی جناح چپ را در پیش گرفت. ابتدا با انکار وجود جناح بندی سیاسی و سپس با رد طرح "توافق و سازش" ارائه شده از جانب جناح چپ مبنی بر "به رسمیت شناسی دو جناح سیاسی متفاوت و توافق بر سر حضور هر دو جناح بنا به وزن سیاسی و تشکیلاتی در ارگانهای رهبری و ساختار تشکیلاتی"، و نهایتاً با برگزاری "کنگره جناحی" و حذف جناح چپ از شرکت در پروسه انتخابات، کنگره اخیر راه هرگونه توافق و سازش با جناح چپ و پرهیز از جدایی را سد کرد.

فاکتور تاثیرگذار دیگر بر اختلافات و قطب بندی موجود در حزب کمونیست ایران به ویژه در یک دهه اخیر اوضاع به شدت متحول سیاسی ایران، پلاریزه شدن بیشتر صنفی طبقاتی و اجتماعی و تشدید شکاف بین راست و چپ در دل مبارزات جاری در ایران و کردستان ایران است. در همین یکدهه اوضاع سیاسی ایران و به میدان آمدن جنبش کارگری به مثابه اولین جنبش اعتراضی موثر و تحرک دیگر جنبشهای اعتراضی رادیکال مثل معلمان و بازنشستگان و مهمتر با عروج جنبش توده ای سرنگونی طلبانه از دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸، به وضوح روند رادیکال و چپ گرایانه متکی به اراده کارگر و مردم فضای سیاسی ایران را رقم زده و بر جنبشها و احزاب راست و چپ تاثیرگذار بوده است. بر این بستر جدال بین جناح چپ و راست در حزب کمونیست ایران و کومه له هم تشدید شده است. در قبال اوضاع سیاسی سراسری جهتگیری مشهود رهبری کنونی کومه له و در رأس آنها دبیر اول کومه له توجه جدی اش به نقش جنبش های راست میانه و نیروهای سکولار و

صفحه ۱۲

اختلافات درون حزب کمونیست ایران و کومه له و کشمکش علنی سه سال اخیر جناح راست و چپ درون این جریان به جدایی منجر شد. اکنون هر دو جناح جدایی رسمی و ادامه فعالیت مستقل از هم را تحت نام مشابه "حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان حزب (کومه له)" اعلام کرده اند. با توجه به شکاف عمیق سیاسی و تشکیلاتی به وجود آمده در درون این جریان، وقوع این جدایی رویداد غیرمنتظره ای نبود. این رویداد را به مانند هر پدیده سیاسی قابل اعتنای دیگر باید در بطن تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه و وجود گرایشهای موجود در این حزب بررسی کرد.

تحولات سیاسی، فعل و انفعالات جنبشها و جریانهای سیاسی متفاوت، قطبی شدن بیشتر صف بندی راست و چپ در جامعه ایران و بویژه کردستان بر افق و سیاست و پراتیک و انتخاب سیاسی دو جناح در حزب کمونیست ایران و کومه له تاثیر قابل مشاهده گذاشته است. مشخصاً در یکدهه اخیر دو روند سیاسی متقابل و همزمان در حوزه فعالیت مستقیم نیروهای چپ و کمونیست و مشخصاً حزب کمونیست ایران و کومه له بیش از دیگر روندهای سیاسی بر افق و سیاست و پراتیک جناحهای درون حزب کمونیست ایران و تقابل و دوری آنها از هم موثر بود. از یک طرف روند تقویت و گسترش دامنه نفوذ سیاسی و عملی جنبش ناسیونالیستی کرد در منطقه و در کردستان ایران و از طرف دیگر روند گسترش اعتراضات کارگری و توده ای و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی با پتانسیل امید بخش رادیکال و چپ گرایانه در جامعه ایران.

از آغاز دهه نود میلادی قرن بیستم، به دنبال دخالت میلیتاریستی آمریکا در عراق و نهایتاً سرنگونی رژیم بعث، جنبش ناسیونالیستی در کردستان عراق به قدرت پرتاب شد. همین به مبنای قدرت گیری بیشتر جنبش ناسیونالیستی کرد در منطقه تبدیل شد. از همان دوره گرایش ناسیونالیستی کرد همیشه موجود در درون حزب کمونیست ایران و کومه له به استقبال آن وضعیت رفت. گرایش ناسیونالیستی با اعتماد بنفس بیشتر گام به گام در تلاش جانداختن افق و سیاست و پراتیک خود در کومه له بود. بر این بستر در سال ۲۰۰۰ جریان فدرالیست و ناسیونالیست به رهبری عبدالله مهندی و عمر ایلخانی زاده به کودتای تشکیلاتی روی آورد و صف خود را از کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) جدا کرد و سازمان فدرالیست و عقب مانده "زحمتکشان" با پسوند "کومه له" را ایجاد کردند. این واقعه و آبرویاختگی پدیده "سازمان زحمتکشان" تحت رهبری مهندی و افشاء شدن هر چه بیشتر ماهیت استثمارگرانه دولت "نویای" اقلیم کردستان، برای دوره ای و به درجه ای گرایش ناسیونالیستی هنوز موجود با ظاهر چپ متأثر از خط مشی دبیر اول کومه له را در حرکت سریعتر به طرف جنبش ناسیونالیستی محتاط کرد. واقعه مهم دیگری لازم بود که بار دیگر گرایش ناسیونالیستی

## آموزش یک حق است نه یک امتیاز!

## جدایی در

### حزب کمونیست ایران و کومه له ...

کشف وزن بالای "طبقه متوسط" و چراغ سبز نشان دادن به نزدیکی با جنبشها و نیروهای راست ناسیونالیست به ویژه در کردستان است. در عین حال مداوماً با برجسته کردن کمبودهای بخشاً موجود و بیشتر ناموجود در جنبش طبقه کارگر و جنبش های رادیکال و کم اهمیت جلوه دادن دستاوردهای مهم جنبش کارگری و جنبش اعتراضی رادیکال، تلاش هدفمندی را برای کم وزن نشان دادن جایگاه جنبشها و نیروهای قطب چپ جامعه و عدم اتکاء به نقش محوری جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال و بی علاقگی به همکاری با نیروهای چپ و حتی دوری کردن از آنها را شاهدیم.

چپ و کمونیستی گذشته و شناخته شده حزب کمونیست ایران و کومه له ندارد. این در شرایطی است که جناح چپ خود را مدافع سابقه و پیشینه کمونیستی و موجودیت و ادامه کاری حزب کمونیست ایران و کومه له میداند. از نظر حزب کمونیست کارگری - حکمتیست جناح چپ این جریان که اکثریت بالای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران هدایت آن را بر عهده دارد، مادام که بر مصوبات همه کنگره ها و پلنومهای این حزب از جمله در یک دهه اول فعالیتهای کمونیستی سرزنده و فعال و درخشان این جریان تاکید میکند، هم اکنون تعهد به پلاتنوم سرنگونی فوری و انقلابی جمهوری اسلامی و مبرمیت سازماندهی انقلاب کارگری و تحقق استراتژی سوسیالیستی در سراسر ایران و در کردستان را وظیفه فوری خود میداند، صلاحیت سیاسی و عملی تداوم و هدایت فعالیت حزب کمونیست ایران و کومه له را دارد. ما همکاری و حمایت از حزب کمونیست ایران و کومه له چپ و رادیکال را وظیفه سیاسی خود میدانیم. امیدواریم حزب کمونیست ایران و کومه له با پشت سر گذاشتن سریع عوارض و پیامدهای کشمکشهای درونی یک دوره طولانی و کارشکنی های جناح راست، با ظرفیت و توان درخور و شایسته بیش از پیش، نقش موثر خود را در جدالهای طبقاتی جاری و در دوران سرنوشت ساز تحولات سیاسی ایران به نفع جبهه کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی ایفا کند.

در خاتمه اکنون که جدایی رسمیت یافته است، انتظار اینست و امیدواریم، پروسه جدایی و نحوه استفاده دو طرف از امکانات و اسناد به نحو متمدانه و سالم و با فرعی کردن تنشهای تاکنون موجود به سرانجام برسد.

#### حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲ بهمن ۱۴۰۰ - ۲۲ ژانویه ۲۰۲۲

## دانش آموزان و خانواده‌ها

### از اعتراضات بحق معلمان حمایت کنید

### آزادی و رفاه حق مسلم ماست



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست همیشه و در سه ساله اخیر از زاویه منافع طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و در جهت تقویت قطب چپ و کمونیست در تحولات جامعه، از زاویه تشدید مبارزه انقلابی برای سرنگونی فوری جمهوری اسلامی، با احساس مسئولیت و با دقت اختلافات و کشمکشهای درون حزب کمونیست ایران و کومه له را تعقیب کرده و با علنی شدن مباحث آنها نظر و سیاست کمونیستی خود را اعلام کرده است. ما به روشنی اعلام کردیم، سیاست و پراتیک اعلام شده طرفین، به وضوح سیاست و پراتیک متفاوت دو جناح راست و چپ در حزب کمونیست ایران و کومه له را تایید و تاکید میکند. واضح است وظیفه هر نیروی چپ و کمونیست و از جمله حزب ما در چنین جدالی حمایت از جناح چپ در مقابل راست است. همانطور که در سال ۲۰۰۰ هم در جدال با جناح راست با مسئولیت عبدالله مهدی از جناح چپ در کومه له حمایت کردیم.

اکنون جدایی در حزب کمونیست ایران و کومه له اتفاق افتاده است. از نظر ما سیاست و پراتیک جناح راست که توسط رهبری کنونی کومه له نمایندگی میشود، سختی با پیشینه و افق و دیدگاه و سیاست و پراتیک

## آموزش رایگان برای همگان!



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

### تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی رازی

۳ استان چهارمحال بختیاری، حدود ۹ ماه حقوق معوقه دارند. به گفته کارگران، آنها از طریق یک شرکت تامین نیرو با نظارت شرکت آب و منطقه‌ای اصفهان در منطقه روستایی «چگاله» روی رودخانه «بیرگان» مشغول کارند. شرکت پیمانکار علاوه بر تاخیر در پرداخت دستمزدها، اخیراً پروژه را متوقف کرده است. کارگران می‌گویند: پیمانکاری که ما در استخدام هستیم حدود ۹ ماه حقوق سال جاری به ما بدهکار است. همچنین کارگران با ۱۰ تا ۱۱ سال سابقه کار به دلیل دارا بودن قراردادهای یک ماهه هنوز فاقد امنیت شغلی هستند.

### تجمع اعتراضی کارگران پروژه سد سفارود

روز دوشنبه ۴ بهمن‌ماه کارگران پروژه سد سفارود رضوانشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه خود بار دیگر در محوطه این پروژه دست به تجمع زدند. در جریان این تجمع، فرماندار رضوانشهر در جمع کارگران حضور پیدا کرد و اعلام نمود که با توجه به بدهی پیمانکار، کارفرما وعده رسیدگی به مطالبات کارگران تا روز چهارشنبه را داده است.

### حقوق معوقه کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن یزد و آذربایجان

کارگران شاغل در خطوط ابنیه فنی راه آهن نواحی یزد و آذربایجان به صورت قراردادی تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری در خطوط ریلی مشغول کارند. کارگران این نواحی که حداقل‌های مزدی را دریافت می‌کنند، پرداخت نشدن دو ماه مزد مشکلات معیشتی آنها را دوچندان می‌کند. کارگران می‌گویند کارفرما مدعی است که دچار کمبود منابع مالی است. دستکم ۴۵۰ کارگر در ناحیه یزد و حدود ۱۰۰۰ کارگر در ناحیه آذربایجان همزمان با یک پیمانکار مشغول کار هستند و هر ماه مطالبات خود را با تاخیر دریافت می‌کنند. کارگران جدا از مطالبات مزدی در زمینه دریافت لباس کار زمستانی هم چار مشکل هستند و اضافه‌کاری را کامل دریافت نمی‌کنند.

### تجمع و اعتصاب کارگران لاستیک بارز کرمان

روز سه‌شنبه ۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۰، کارگران لاستیک بارز کرمان، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و پایین بودن دستمزدها و پرداخت نشدن اضافه کاری دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. کارگران بطور یکپارچه دست از کار کشیده و در محوطه این کارخانه جمع شدند. آنها با سر دادن شعار خواهان حضور مدیرعامل و پاسخگویی وی و مسئولان کارخانه و مقامات استان شدند. کارگران این واحد تولیدی بارها برای افزایش حقوق و پرداخت به موقع آن دست به اعتراض زده‌اند. حقوق آنها در بهترین حالت قادر است ۱۵ روز از مخارج زندگی آنها را تامین کند. بسیاری از آنها در حاشیه شهرها اجاره نشین می‌باشند و بخش بیشتر درآمد خود را جهت کرایه خانه می‌پردازند.

صفحه ۱۴

صبح روز دوشنبه ۴ بهمن ماه جمعی از کارگران پتروشیمی رازی در اعتراض به ممنوع ورود شدن تعدادی از کارگران دست از کار کشیدند و مقابل حراست مجموعه اعتراض کردند. کارگران پتروشیمی رازی ابتدا خواستار به رسمیت شناخته شدن نماینده خود و پذیرفتن حقوق کارگران از سوی کارفرما شدند، با اینحال تعدادی از کارگران از جمله یک نماینده به دستور کارفرما ممنوع ورود شدند. کارگران می‌گویند: سهام پتروشیمی رازی متعلق به ترکیه است که نسبت به حقوق کارگری از جمله حق داشتن نماینده از سوی کارگران بی توجه هستند. کارگران در این اعتراض خواستار بازگشت به کار همکارانشان و به رسمیت شناخته شدن نمایندگان کارگری هستند. صبح روز سه‌شنبه پنجم بهمن نیز در پی ممنوع ورود شدن ۳ نفر دیگر از کارگران پتروشیمی رازی، کارگران مجدداً دست از کار کشیده و خواستار ورود همکارانشان به شرکت شدند. مسئولین اداره کار منطقه نیز به این مسئله تاکنون واکنشی نشان ندادند.

### اجتماع ۱۸۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری پالایشگاه تندگویان تهران

روز چهارشنبه ۶ بهمن‌ماه کارگران پیمانکاری پالایشگاه تندگویان تهران در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در محوطه شرکت دست به تجمع زدند.

### اعتصاب کارگران پتروشیمی مروارید

روز سه‌شنبه پنجم بهمن ماه کارگران پتروشیمی مروارید در عسلویه به دلیل عدم پرداخت حقوق ماهیانه کارگران دست به تجمع و اعتصاب زدند.

### تداوم اعتصاب کارگران کشت و صنعت میان‌آب

روز یکشنبه ۳ بهمن، کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر میان‌آب در شهرستان شوش، با تداوم اعتصاب خود، برای چندمین روز متوالی اقدام به برگزاری تجمع کردند. کارگران معترض با تجمع در محوطه این مجتمع و در دست داشتن نوشته‌هایی در خصوص به کارگیری نیروهای روزمزد با دستمزد روزانه ۹۰ هزار تومان بدون حق بیمه تامین اجتماعی و همچنین دخالت کارفرمایان در مسائل شخصی کارگران اعتراض کردند. اعتصاب‌کنندگان همچنان با سردادن شعارهایی علیه مدیران اعتراض خود را نسبت به وضعیت قراردادهای کاری، دستمزد پایین و نحوه مدیریت این مجتمع نشان داده و خواستار رسیدگی به خواسته‌های خود شدند.

### ۹ ماه حقوق معوقه کارگران پروژه سد کوه‌رنگ سه

کارگران شاغل در پروژه ساخت تونل و سد بتنی دو قوسی کوه‌رنگ

**کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!**

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

تهدیدها توسط نهادهای امنیتی قضایی علیه اعضای سندیکا را قویا محکوم کرده و از کارگران و رانندگان خواسته است که حق بدیهی خود در داشتن سندیکای مستقل کارگری و برگزاری اعتراضات جمعی را با قدرت پیگیری نمایند.

#### تجمع کارگران شهرداری یاسوج مقابل استانداری

شنبه ۲ بهمن ماه کارگران شهرداری یاسوج به معوق شدن ۵ ماه حقوق، مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. یکی از کارگران شهرداری گفت: کارگرانی در شهرداری هستند که ۲۰ سال است بصورت شرکتی مشغول به کار هستند. پیمانکار عیدی چندین ساله ما را برداشته، شهرداری هم ضمانت نامه‌اش را داده است، شکایت کرده‌ایم، شهرداری می گوید به من ربطی ندارد! اگر ربطی به شهرداری ندارد چرا ضمانت نامه پیمانکار را داده‌اند؟ وی افزود: نیروی شهرداری که زحمات زیادی می کشد، جلوی آبگرفتگی را بگیرد و برف روبی می کند، زباله ها را جمع آوری می کند، اصلا فکر می کنند که ۴۰۰ نیرو دارند زحمت می کشند؟ شهرداری اگر ورشکسته شده درش را ببندند، تا تکلیف معلوم شود.

#### تجمع اعتراضی کارگران شهرداری مهران در مقابل فرمانداری

شنبه دوم بهمن کارگران شهرداری مهران در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق، عدم بیمه کارگران توسط شهرداری و عدم پرداخت ۹ ماه مزایای کاری مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع اعتراضی برپا کردند.

#### حقوق معوق کارگران شهرداری مسجد سلیمان

کارگران شهرداری مسجد سلیمان در استان خوزستان چهار ماه معوقات مزدی طلبکارند. کارگران میگویند؛ مسئولان شهری به پرداخت بموقع حقوق کارگران بی‌اعتنا هستند و ما علیرغم همه سختی‌ها مجبوریم بدون دریافت حقوق کار کنیم.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمری بگیران فولاد

روز یکشنبه سوم بهمن‌ماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان، فولاد خوزستان مقابل ساختمان این صندوق در اصفهان و اهواز تجمع کردند. جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران فولاد کشور در خیابان وزرا تجمع کردند. بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع می‌زنند.

#### تجمع بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی

روز یکشنبه سوم بهمن‌ماه بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی در شهرهای رشت، مشهد، تبریز مقابل اداره کل تأمین اجتماعی این استانها دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند. بازنشستگان تأمین اجتماعی خواهان افزایش و همسان سازی کامل حقوق‌ها هستند.

#### تجمع اعتراضی معلمان و فرهنگیان بازنشسته

#### تجمع اعتراضی کارگران و استادکاران ساختمانی مقابل مجلس

روز سه‌شنبه پنجم بهمن‌ماه جمعی از کارگران و استادکاران ساختمانی از شهرها و استان‌های مختلف با تجمع در مقابل مجلس نسبت به عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به اعتراض زدند. حذف سهمیه بیمه کارگران ساختمانی و تایید نهایی اصلاحیه ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی توسط نمایندگان مجلس و بیمه شدن تمامی کارگران و استادکاران ساختمانی که در نوبت بیمه هستند مهمترین خواسته کارگران است. بهرمنند کردن کارگران ساختمانی از مزایای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و غرامت ایام بیماری، صدور دستورالعمل‌های قاطع و کاربردی در الزام کارفرمایان به رعایت مسائل ایمنی در صنعت ساختمان و کاهش حوادث ناشی از کار در این صنعت، لغو دستورالعمل‌های یک طرفه سازمان تأمین اجتماعی بر علیه کارگران ساختمانی از قبیل حذف بیمه کارگران تاسیسات، لوله کش آب و لوله کش گاز، قطع بیمه کارگران به بهانه عدم پرداخت بیمه به مدت ۳ ماه، واگذاری بازرسی کارگران ساختمانی به کارگزاری‌ها، کاهش پرداخت حق بیمه ۳۵ سال برای کارگران ساختمانی و تذکر به وزارت راه و شهر سازی، وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی در جهت به رسمیت شناختن تشکلهای کارگری دیگر خواسته‌های این کارگران است.

#### اعتصاب رانندگان باری لرستان در اعتراض به افزایش و رودی به پایانه بار

از روز ۱ بهمن ۱۴۰۰ رانندگان باری لرستان در اعتراض به افزایش ۴۰۰ درصدی هزینه صدور مجوز دست به اعتصاب زدند. قبل از این هم رانندگان از مبلغ پرداختی اولیه ناراضی بودند و بدفعات ناراضیتی خود را ابراز کرده بودند. پیش از این هر ماشین برای صدور مجوز بار باید ۵۵۰۰ تومان ورودی می‌داد که از صبح جمعه این هزینه با افزایشی غیرمنتظره ۲۲۰۰۰ تومان اعلام شده است. رانندگان اعتراض خود را به سازمان حمل و نقل، راهداری و پایانه های استان لرستان اعلام کرده اند و خواهان لغو این افزایش هزینه شدند.

#### تهدید امنیتی اعضای سندیکای واحد

طی روز پنجم و ششم بهمن، بیش از ده تن از اعضای سندیکا، با توجه باینکه از سوی شعبه دوم دادسرای امنیت اوین، به پلیس امنیت احضار شده بودند، به پلیس امنیت مراجعه کردند. بازجویان پلیس امنیت با فشار و تهدید اصرار داشته: دست از فعالیت‌های سندیکایی بردارند، در اعتراضات مشارکت ننمایند و با چند تن از اعضای پیشرو شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد ارتباط نداشته باشند. همزمان بدنبال فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد به تجمع در مقابل شهرداری تهران در روز ۲۸ آذر، تماس‌های تلفنی تهدید آمیز و احضار فعالین سندیکایی از سوی حراست شرکت و پلیس امنیت آغاز شد اما کارگران اعلام کردند، بدون احضاریه کتبی قضایی به هیچ ارگان امنیتی مراجعه نخواهند کرد. سندیکای کارگران شرکت واحد موج اخیر فشارها و

تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری بابت اتهامات «اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام با مصداق از جمله شرکت در کمپین «شکنجه‌ی سفید» و عضویت در محافل مارکسیستی» برگزار شد. قاضی به دلیل نبود مستندات کافی و در نظر گرفتن دفاعیات، پرونده خانم محمدی را به بازپرسی ارجاع داد.

بازداشت آرش محمدی هنگام ورود به مرز باشماق مریوان آرش محمدی فعال کارگری و کارگر ساختمانی هنگام ورود به مرز باشماق مریوان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. بنابر اخبار منتشر شده آرش محمدی مدتهاست در اقلیم کردستان به کاشی کاری و کارهای ساختمانی مشغول است که با توجه به سرد شدن هوا و تعطیلی محل کار ناچار به بازگشت به ایران شده است. خانواده‌ی این فعال کارگری علیرغم پیگیری‌ها از محل دقیق و علت بازداشت بی اطلاع هستند.

کیوان صمیمی را از اوین خارج کرده‌اند و خبری از او نیست وکیل کیوان صمیمی، زندانی سیاسی ۷۳ ساله، از خارج کردن موکلش از زندان اوین خبر داد ولی گفته است که خبری از او نیست. مصطفی نیلی روز چهارشنبه ششم بهمن در توییتری نوشت: موکلش صبح سه‌شنبه از زندان اوین تماس گرفت و اعلام کرد که به زندان اوین بازگردانده شده است، اما عصر همان روز وی را از اوین خارج کردند و بعد از آن تاکنون تماسی با خانواده و وکلا نداشته است.

فراخوان معلمان به تحصن و اجتماع سراسری به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران روزهای شنبه و یکشنبه ۹ و ۱۰ بهمن در مدارس تحصن و روز دوشنبه ۱۱ بهمن، اجتماعات معلمان برگزار میشود. تحصن: شنبه و یکشنبه ۹ و ۱۰ بهمن. آموزش حضوری و مجازی در کلیه مدارس و تمام مقاطع از شهر تا روستا تعطیل است. جمع: دوشنبه، ۱۱ بهمن، ساعت ۱۰ تهران: مقابل مجلس. مراکز استان‌ها: مقابل اداره کل آموزش و پرورش. شهرستان‌ها: مقابل اداره آموزش و پرورش.

\*\*\*

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

روز دوشنبه ۴ بهمن ماه جمعی از بازنشستگان فرهنگی در شهرهای سمنان، شیراز، داراب، رشت، همدان، تهران، اردبیل، کرمانشاه در اعتراض به وضعیت نابسامان معیشتی و با خواست همسان‌سازی کامل و افزایش حقوق‌ها مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی این شهرستانها دست به تجمع زدند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه چهارم بهمن ماه جمعی از بازنشستگان مخابرات ایران از استان‌های مختلف در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات و مطالباتشان مقابل ستاد اجرایی در تهران دست به تجمع زدند.

#### مرگ و مصدومیت دو نفر از کارگران هفت‌تپه حین کار

روز چهارشنبه ششم بهمن ماه دو نفر از کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه حین تعمیر دستگاه «پن» لای پروانه‌های میکسر گیر کرده و یکی از کارگران به نام جمال سعدی در دم جانباخت و کارگر دیگر به نام کریم توکل دچار جراحات شدید شده و به بیمارستان منتقل گردید. ما در برنامه جامعه و کارگران همواره اعلام کردیم، سودجوی سرمایه‌داران در عدم تامین ایمنی کار عامل اصلی حوادث در محل کار و کشتار کارگران هستند. ما در غم جانباختن جمال سعیدی در کنار بستگان و همکاران ایشان هستیم و برای کریم توکل آرزوی بهبودی داریم.

#### جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات عسل محمدی برگزار شد

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات عسل محمدی، روز دوشنبه ۴ بهمن ماه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. خانم محمدی در تاریخ ۱۵ آبان‌ماه امسال توسط نیروهای امنیتی بازداشت و در تاریخ ۱ آذرماه با تودیع قرار آزاد شد. در جریان این جلسه که در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب

**مجمع عمومی ظرف ابراز وجود**

**مستقیم و مستمر کارگران است!**

**مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر**

**نیازی برپا کنید!**

**جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!**

**برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب**

**کمونیسست کارگری-حکمتیست را بطور**

**زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی**

**دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان**

**معرفی کنید. آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

## رحمان حسین زاده

## به دبیر اول کومه له - ابراهیم علیزاده!



با سلام و آرزوی تندرستی شما!

ده روز قبل در گفتار تلویزیونی، در رابطه با پروسه جدایی ۳۱ سال قبل جریان ما (کمونیسیم کارگری)، از حزب کمونیست ایران و کومه له در سال ۱۳۷۰، اتهامات مالی مطرح شده از طرف معاون شما، (حسن رحمان پناه) را با مدارک و اسناد کتبی موجود پاسخ گفتم. از شخص شما خواستم به دو دلیل لازم است، در رابطه با موضوع مطرح شده، اظهار نظر کنید. اولاً، معاون شما چنین ادعا و اتهاماتی را مطرح کرده است. آنوقت سؤال هر فرد آشنا به استانداردهای اولیه فعالیت سیاسی متشکل و حزبی اینست نظر شما به عنوان مسئول مستقیم ایشان چیست؟ ثانیاً و مهمتر به دلیل اینکه شما و منصور حکمت به عنوان دو عضو شاخص از اعضای رهبری وقت حزب کمونیست ایران، با تأیید پلنوم بیستم حزب و تعهدی که به اعضای آن پلنوم و صفوف حزب دادید، قرار شد، پروسه جدایی عملی و نقل و انتقال اموال و اسناد را در همه تشکیلاتهای حزب کمونیست ایران و کومه له به ویژه در بخش علنی و مسلح به شیوه متمدنانه و سالم تا مقطع پلنوم ۲۱ هدایت و به سرانجام برسانید. در این رابطه سند مکتوب دوره انتقال را تهیه کردید. آن را جهت اجراء به مسئولین تشکیلاتهای مختلف حزب و از جمله به من در اردوگاه مرکزی کومه له ابلاغ کردید. هر دوی شما به شیوه جداگانه در تماس تلفنی توصیه های لازم را جهت اجراء درست قرار داد فیمابین به اطلاع رساندید. نقل و انتقالات در پروسه زمانی دو ماهه ای به سرانجام رسید. در مهرماه ۱۳۷۰ که شخص شما از اروپا به اردوگاه مرکزی برگشتید، دیداری با هم داشتیم و به سهم خودم گزارشی از چگونگی اجراء نقل و انتقال را باشما در میان گذاشتم و هیچ مورد مشکل و یا ایرادی را مطرح نکردید. در قدم بعدی و مرحله پایانی نقل و انتقال اصغر کریمی که از جانب دفتر سیاسی وقت حزب مأموریت داشت نقل و انتقال در کومه له را نظارت کند، چنین کاری را کرد و آنطور که خود او در نوشته هفته قبلش در این مورد اشاره کرده، شما و اصغر کریمی سند مشترکی را مبنی بر نقل و انتقال سالم و درست در تشکیلات علنی و مسلح کومه له را امضا کردید. سپس پلنوم بیست و یکم حزب کمونیست ایران در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۱ برگزار شد. آن پلنوم موثرترین و آخرین نشست حزبی مشترک رهبری وقت حزب کمونیست ایران بود، که شما و منصور حکمت گزارش خود را از نحوه اجراء شدن نقل و انتقال و جدایی مطرح و اعلام کردید، که پروسه نقل و انتقال و جدایی سالم و درست به سرانجام رسیده است. هیچ کدام از شما از مشکل و ایراد و خطای احتمالی در پروسه نقل و انتقال (به ویژه در عرصه مالی و اموال)، در هیچ بخش از سازمانهای حزب در داخل و خارج و تشکیلات علنی کومه له و سازمان مرکزی حزب گزارشی ارائه نکردید. در مقاطع بعدی و حتی سالهای بعد منصور حکمت و شما هم از جدایی سالم و متمدنانه در آن موقع صحبت کردید. از جمله خود شما در مصاحبه چند سال قبلتان با رسانه ای در کردستان عراق به زبان کردی که اخیراً بازپخش شد، همین را گفته اید. اما آنچه جای تعجب است، بعد از ۳۱ سال معاون شما براساس مصلحت امروزی در کشمکشهای اخیر با جناح سیاسی مقابلتان، اتهامات بی پایه و زمختی علیه سابقه سالم نسلی از مبارزین کمونیست و معتبر و حزب و سازمانی که آن دوره مشترکاً در آن فعالیت داشتیم، مطرح کرده است.

در نتیجه وظیفه سیاسی و اخلاقی شما است که به عنوان یکی از تیم دو نفری هدایت گر آن پروسه دوره جدایی باردیگر نظر خود را اعلام کنید. متأسفانه منصور حکمت در قید حیات نیست، تا دخالت کند و این به ویژه وظیفه اخلاقی تورا سنگین تر میکند که این بارسکوت نکنید و به سهم خودت برای پایان دادن به فضای آلوده به وجود آمده، کمک کنید.

۲۴ ژانویه ۲۰۲۲

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیسیت کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیسیت

ماهواره یاهو ست  
فرکانس: ۱۲۵۹۴  
پولاریزاسیون: عمودی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰  
اف ای سی: ۳/۲

ببیندگان عزیز  
از اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورای" تلویزیون مشترک کبیروهای چپ و کمونیست، پخش خود را آغاز می کند.  
از اول اکتبر، تلویزیون پرتو، رسانه تصویری حزب حکمتیست، برنامه های خود را از این کانال پخش می کند.

ساعات پخش به وقت ایران  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های  
۳:۳۰ تا ۴:۳۰  
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰  
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد سوسیالیسم!